



نام درس: دناى ادیب نام دبیر: غزاله صادق زاده

مبحث: قطعه ی ناتوان

مقطع: دبستان پایه: چهارم - پنجم - ششم





ناتوان

جوانی چنین گفت روزی به پیری

بگفت اندرین نامه حرفی است مبهم

تو، به کز توانایی خویش گویی

جوانی نکودار، کاین مرغ زیبا

متاعی که من رایگان دادم از کف

هر آن سرگرانی که من کردم اول

چو سرمایه‌ام سوخت، از کار ماندم

از آن برد گنج مرا، دزد گیتی

که چون است با پیریت زندگانی

که معنیش جز وقت پیری ندانی

چه میپرسی از دوره ی ناتوانی

نماند در این خانه ی استخوانی

تو گر میتوانی، مده رایگانی

جهان کرد از آن بیشتر، سرگرانی

که بازی است، بی‌مایه بازارگانی

که در خواب بودم گه پاسبانی





شرح واژگان و دشواری ها

نکودار: خوب و زیبا نگه دار
سرگرانی: گستاخی و غرور
بازارگانی: تجارت
گه پاسبانی: هنگام مراقبت

مبهم: پیچیده
متاع: کالا
بی مایه: بدون سرمایه
گیتی: دنیا

چون است؟: چگونه است؟
خانه ی استخوانی: اسکلت بدن
از کار ماندم:
از آن برد: به آن دلیل برد



درک مطلب

۱- پیر به جوان چه توصیه ای کرد؟

۲- به نظر شما چگونه می توان از فرصت دوران جوانی اسفاده کرد؟

۳- به نظر شما بزرگ ترین سرمایه ی انسان چیست؟





مجمع آموزشی هوشمند خدیجه کبری (س)

www.kksec.org

<https://instagram.com/khadijekobra1368>